

Farsi: Two Faces of Poverty

(Sermon preached by Cheryl Williams at Footscray Baptist on September 21st, 2025 – Luke 16:19-31 & 1 Timothy 6:6-10, 17--19)

من تعجب می‌کنم که اگر ناگهان پول زیادی به دست آورید، چه خواهید کرد.

چگونه از آن استفاده خواهید کرد؟

[بوم Fiddler on the Roof نمایشنامه - اگر من یک مرد ثروتمند از نمایش]

در نمایش Tevye آهنگی که ما شنیدیم، آهنگی است که برای بسیاری از شما شناخته شده است، این آهنگ توسط بیش از ۱۰۰ سال پیش در Fiddler on the Roof خوانده شده است. Fiddler on the Roof موزیکال روسیه اتفاق افتاده است.

پدر ۵ دختر است که در طول داستان تلاش می‌کند سنت‌های خانوادگی و مذهبی را حفظ کند، در حالی که Tevye یک شیرفروش است که یهودی است و در روسیه زندگی Tevye تأثیرات دنیا بر او و خانواده‌اش تأثیر می‌گذارد. می‌کند. دلال از دواج با پیشنهاد شوهر برای یکی از دخترانش، کسی که دختر اصلاً به او علاقه‌ای ندارد، از راه رسیده است. تویه در چرخ و فلک به اوضاع فکر می‌کند و این آهنگ را می‌خواند - اگر من یک مرد ثروتمند بودم. واضح است که اگر آنها ثروتمندتر بودند، شرایط خانواده و دختران متفاوت می‌بود. تویه مزایای ثروت را برای ما برجسته می‌کند - نداشتن کار سخت، داشتن یک خانه بزرگ و بلند در وسط شهر، داشتن چندین راه پله - که یکی از آنها صرفاً برای نمایش است، مرغ، بوقلمون، غاز و اردک و همسری با اعتماد به نفس و ظرافت و غیغ! او به خاطر خردش مورد توجه قرار می‌گیرد و وقت دارد تا در مورد کتاب‌های مقدس بحث کند. ثروت می‌تواند بسیار اغواکننده باشد!

وای، ثروتمند بودن!

در دنیای ما، شکاف بین ثروتمند و فقیر به نظر می‌رسد که بیشتر و بیشتر می‌شود. در نزدیکی خانه، ما در چند سال گذشته در بحران هزینه زندگی کرده‌ایم و می‌دانیم که هزینه مسکن اکنون برای بسیاری از افراد غیرقابل پرداخت است. بیش از ۱۲۰ نفری که چهارشنبه‌ها به کلیسا می‌آیند، نشان می‌دهد که بسیاری از مردم برای تهیه غذا برای خانواده‌هایشان در تلاش هستند.

اگر کمی دورتر نگاه کنیم، می‌بینیم که بسیاری در جهان در فقر زندگی می‌کنند و نمی‌توانند برای خانواده‌هایشان غذا تهیه کنند، به خصوص در جاهایی که جنگ و درگیری وجود دارد، بسیاری را می‌بینیم که در ازای کارشان دستمزد بسیار کمی دریافت می‌کنند، زیرا برای ما کالا تولید می‌کنند.

بنابراین اگر بی‌طرفانه به دنیای خود نگاه کنیم، باید بگوییم که اکثر ما در استرالیا ثروتمند هستیم.

در داستان امروز ما دو مرد داریم، دو چهره و روی فقر.

ما یک مرد بسیار ثروتمند با لباس بنفش داریم که نشسته و در حال جشن گرفتن است، بیرون دروازه‌اش مردی بسیار فقیر دراز کشیده است که آرزوی چند تکه نانی را دارد که توسط مرد ثروتمند، فقیر و بیمار، هدر داده می‌شود، سگ‌هایی که زخم‌هایش را لیس می‌زنند. به نظر می‌رسد که آنها هرگز با یکدیگر ارتباطی نداشته‌اند، مطمئناً مرد ثروتمند متوجه آن مرد نشده است، یا اگر هم متوجه شده باشد، تصمیم گرفته است که او را نادیده بگیرد. هر دو مرد می‌میرند و به نظر می‌رسد که بخت و اقبالشان معکوس شده است، مرد ثروتمند اکنون در آتش عذاب می‌کشد و خشک شده است. لازاروس در آغوش ابراهیم است. مرد ثروتمند در حالی که می‌توانست به لازاروس کمک کند، نمی‌توانست انگشتی بلند کند و اکنون در عذاب التماس می‌کند که لازاروس برای رفع تشنگی‌اش آب بیاورد. چه گستاخی، او در

Two Faces of Poverty

(Sermon preached by Cheryl Williams at Footscray Baptist on September 21st, 2025 – Luke 16:19-31 & 1 Timothy 6:6-10, 17--19)

لحظه عذاب لازاروس را نادیده گرفت و اکنون از لازاروس می‌خواهد که به او کمک کند. به او گفته می‌شود نه. سپس او التماس می‌کند که لازاروس بتواند به برادرانش پیامی بدهد که چگونه نادیده گرفتن فقرا منجر به سرنوشت وحشتناکی خواهد شد. دوباره به او گفته می‌شود نه، او و برادرانش قبلاً پیامبران و پیامبرانی، از جمله خود عیسی، فرستاده شده‌اند تا به آنها بگویند که چگونه باید در دنیای خدا زندگی کرد. دو مرد، هر دو فقیر. یکی از نظر جسمی فقیر، دیگری از نظر روحی فقیر، فقیر در سخاوت، فقیر در رحمت. حتی در مرگ نیز انتظار دارد که مرد فقیر به او توجه کند و به او کمک کند.

داستان واقعاً درباره چیست؟ با وجود اینکه پایان داستان درباره بهشت و جهنم است، اما در واقع درباره ثروت و فقر است. این یادآوری است که ثروت واقعی در پادشاهی خدا، توانایی نشان دادن شفقت و رحمت است و پول و ثروت معیار واقعی ارزش افراد یا در واقع هیچ چیز دیگری نیستند.

چگونه به داستانی مانند این واکنش نشان می‌دهیم؟ چگونه سخنان پولس به تیموتائوس درباره ثروت را می‌شنویم؟ به نظر من، خواندن از تیموتائوس، آنچه را که عیسی سعی دارد در این مثل به ما بگوید، تقویت می‌کند.

ما بدون هیچ چیز به این دنیا می‌آییم و همانطور که پدرم می‌گفت، نمی‌توانید درباره ثروتی که ممکن است در نهایت به دست آورید، با خودتان صحبت کنید. مشکل، عشق به پول است، نه خود پول یا ثروت. سوالی که در اینجا به آن پرداخته می‌شود این است که ما با ثروت خود چه می‌کنیم. به جای استفاده از آن برای جمع‌آوری بیشتر از آنچه می‌توانیم استفاده کنیم، باید از آن برای نشان دادن مهمان‌نوازی به دیگران، برای کمک به زیستن بیشتر زندگی دیگران - برای ثروتمند شدن در کارهای نیک - استفاده کنیم.

ما باید از لازاروس در دنیای خود بپرسیم که چه کسانی فقیر و تهیدست هستند؟ مطالعات ما امروزه چندان در مورد داشتن یا نداشتن ثروت نیست، بلکه در مورد نحوه استفاده از آن ثروت است.

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که بسیاری از «فقیران» درست بیرون دروازه‌های ما دراز کشیده‌اند. پناهجویانی که نمی‌توانند هیچ کمک مالی دریافت کنند و قادر به کار یا دریافت مراقبت‌های پزشکی رایگان نیستند و باید به خیریه تکیه کنند. افراد بی‌خانمان، که برخی از آنها در ملک ما می‌خوانند. در شمال ما، جزیره‌نشینانی که وجودشان توسط تغییرات اقلیمی تهدید می‌شود. مردم بومی در جوامع دورافتاده که حتی بیشتر از ما برای مواد غذایی روزمره هزینه می‌کنند، دسترسی آنها به مراقبت‌های بهداشتی و آموزش تقریباً وجود ندارد. و اگر به سایر نقاط جهان نگاه کنیم، بسیاری هستند که غذای کافی یا آب تمیز ندارند، جایی که بیماری شایع است. مطالعات ما امروز واقعاً ما را به چالش می‌کشد تا کاری انجام دهیم، این افراد را نادیده نگیریم، که گاهی اوقات به معنای واقعی کلمه در آستان ما هستند. ما به عنوان یک کلیسا چگونه واکنش نشان می‌دهیم - جایی که در مکانی به ارزش میلیون‌ها دلار جمع می‌شویم اما واقعاً استفاده نمی‌شود، چگونه می‌توانیم از ثروت خود برای ایجاد تغییر در زندگی لازاروس‌های اطرافمان استفاده کنیم؟ یک پروژه مسکن به نظر من شروع خوبی است.